

«بسم الله الرحمن الرحيم»

عنوان

آثار و پیامدهای شکرگزاری در آیات و روایات

زینب بغلانی¹

چکیده:

از مسائلی که در فرهنگ اسلامی ازان به عنوان خصلتی ارزنده یاد شده است شکرگزاری. که از نعمت های الهی است در این زمینه علاوه بر کلام خداوند و معصومین علیهم السلام علماء و صاحب نظران نیز به تبیین اهمیت، جایگاه، موارد و آثار شکرگزاری پرداخته اند و تالیفات گسترده ای در این باب صورت گرفته است (انجام شده است) از جمله می توان به کتاب شکر از دیدگاه قرآن / علی اصغر حسینی اشاره کرد.

که به کارگیری صحیح این آموزه ها می تواند آثار و پیامدهایی همچون فرونی و بقای نعمت، نجات از فتنه و بلا و کسب روحیه قدردانی به همراه داشته باشد. پژوهش (مقاله، نوشتار) پیش روی روش کتابخانه ای و با بهره گیری از منابع روایی، تفسیری و اخلاقی گردآوری شده است.

خداوند می خواهد که انسان در هر شرایطی به توانایی سپاسگذاری دست پیدا کند به ویژه در شرایط سخت. در نتیجه این شکرگذاری ها باعث پرورش روح انسان، ایجاد حس رضایت و آمادگی برای پذیرش اتفاقات ناگواری شود. کلید واژه ها: شکر، شکر گذار، نعمت، سپاس.

¹. طلبه سطح 2، حوزه علمیه فاطمه الزهراء سلام الله علیها، شهرستان آبادان

مقدمه:

از حدیث (من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق) زیاد در محافل و مجالس شنیده ایم شاید این بیشترین مطلبی باشد که در باب شکر به سمع و نظر ما رسیده باشد. ولی سوالات کوچک و بزرگی همچنان در ذهن ما وجود دارد که پاسخ به این سوالات شاید بتواند مسیر زندگی ما را به گونه ای مشخص کند. چرا که این مساله با مسائل دیگر متفاوت است و آن اینکه یک طرف ما هستیم و طرف دیگر خالق رازق و رب.

ایا انجام تکالیف الهی در پاسخ به تنعم به نعمت های الهی است؟

ایا شکر نعمت آثار و برکاتی برای ما به همراه دارد؟

ایا در سختی و مشکلات نیز شکر نعمت لازم است؟

آیایی اعتنایی به نعمت میتواند عواقبی برای ما به همراه داشته باشد؟ در نتیجه آیا لازم و واجب است در مورد شکر نعمت اطلاعات کافی داشته باشیم؟ آیا شکر نعمت خواسته ای از سوی خداوند است یا بنده از باب ادب آنرا به جا می آورد؟ شکر نعمت دلیل شرعی دارد یا اینکه دلیلش عقل است و شرع موید آن دلیل عقلی است؟ در پاسخ به این سوالات که ذهن ما را درگیر خود کرده و اهمیت موضوع ما را بر آن داشت که بوسیله منابعی که در این باب موجود است سوالات اساسی و شبهات در ذهن را با احادیث معصومین ع و آیات روشن گر جایگزین کنیم چرا که یقینا برای رسیدن به پاسخ نهایی کامل و اطمینان آور، رجوع به ثقلین، مسیر وحی و معبود بهترین روش است.

مفهوم شناسی

معنی اصطلاحی شکر:

نقطه مقابل کفران و ناسپاسی، شکر پروردگار است، و مفهوم آن قدردانی از نعمت ها با قلب و زبان و عمل است. اما با قلب همان معرفت پروردگار و تسلیم در برابر او و رضا و خشنودی به عطایای او است، و با زبان، گفتن جمله هایی است که بیانگر قدردانی و سپاس انسان در برابر خالق نعمت ها است، و اما با عمل به این طریق

است که هر نعمت و موهبتی را در جایی صرف کند که خداوند دستور داده و برای آن آفریده است.^۱

معنی اصطلاحی نعمت:

در باب ماده «نعم»، معنای نعمت این گونه بیان شده است: نعمت، حالت نیک و پسندیده است. ساخت نعمت برای بیان هیئت و حالت انسان است؛ مانند جلسه و رکبه که بیان نوعی نشستن و نوعی سوار شدن است. نعمت، اسم جنس است که برای کم و زیاد استعمال می‌شود.

به ناز و نعمت رسیدن و رفاه را «نعمت» گویند و ساخت آن برای بیان یک مرتبه کاری می‌باشد؛ مانند ضربه، شتمه که بر یک بار زدن و یک بار دشنام دادن دلالت می‌کند. انعام یعنی نیکی رساندن به دیگری و زمانی استعمال می‌شود که نعمت داده شده از جنس انسان باشد. مصداق این کلام را می‌توان در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران یافت که خداوند می‌فرماید: «و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که دشمن (یک دیگر) بودید، سپس میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد.»^۲

شکر در قرآن و منابع اسلامی

بسیاری از آیات قرآن با تشویق و ترغیب انسانها به شکر گزاری، آن را سبب تحصیل معرفت، فضیلت، خشنودی خدا و عامل باز دارنده ای در برابر گناه و وسیله ای برای شکوفایی علم و ایمان معرفی نموده است.

بسیاری از آیات قرآن، به وجود فضیلت شکر گزاری انبیاء بزرگ اشاره کرده، یا به آنان دستور شکر گزاری داده است.^۳

شناگویی در برابر نعمت و بخشش را شکر گویند. چنانچه قرآن درباره حضرت ابراهیم می‌فرماید: «شاکراً لانعمه و هداه الی صراط مستقیم؛» چون حضرت ابراهیم نسبت به نعمت های الهی شکر گزار بود و در این راه ایستادگی کرد و از مشرکان اعراض نمود، خداوند وی را به عنوان رسول خویش برگزید و به راه راست هدایت کرد.»

۱. مکارم، شیرازی، اخلاق در قرآن، جلد ۳ ص ۷۹

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، جلد ۱، ص ۴۹۹

۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیه الله مکارم شیرازی

شکر مراتب و درجاتی دارد، تشکر به قلب و اعماق روح و روان و تذکر به آنچه اعطاء شده است، جاری ساختن بر زبان و ثناگویی منعم، بروز شکر بر جوارح و اعضاء به نحوی که انسان در حد توان بتواند از قوای خود در جهت مصالح و اموری که رضایت الهی در آن نهفته است اقدام نماید.¹

در این مقاله پیرامون شکر نمونه هایی از سخنان بزرگان علم و تفسیر را درباره معنای شکر نقل می نمائیم.

الف: راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ القرآن می نویسد: شکر یعنی تصور نعمت در ذهن و اظهار آن در گفتار و کردار، لذا اگر حیوانی به نحوی باشد که اگر از نظر آب و علوفه به آن رسیدگی شود خیلی زود سرحال و فربه می گردد و اثر رسیدگی را به زودی نشان می دهد آن را دابه شکور، به معنی حیوان سپاسگزار می گویند، زیرا آثار نعمت و احسان را به خوبی نشان می دهد.

ب: علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار به ارائه تعریف شکر به نقل از محقق طوسی می پردازد و همان را کافی و قابل قبول می داند و می نویسد: شکر شریفترین اعمال و برترین کارهاست و شکر، سپاسگزاری در برابر نعمت است.

د: علامه محمد تقی جعفری درباره معنای شکر آورده است شکر عبارت است از اسناد خیرات و کمالات به خداوند متعال در موقع توجه به آنها، مخصوصاً در آن مواقع که خداوند با یکی از آن خیرات بنده خود را مورد عنایت قرار داده باشد و بدین جهت است که در حالات هشیاریهای عالی که ارتباط خیرات را، حتی خود شکر گزاری را که یکی از با عظمت ترین نعمتهای معنوی است، به خدا درک می کنیم پس از احساس ناتوانی از شکر گزاری، در دریائی از فروغ الهی غوطه ور میگردیم.

ه: علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است: «الشکر... حقیقه استعمال النعمه بنحو

یذكر انعام المنعم و يظهر احسانه و يول في موردہ تعالى الى الايمان به والتقوى.»

حقیقت شکر به کار بردن نعمت است به نحوی که بخشش نعمت دهنده را به یاد آورد و احسان او را نشان دهد و در مورد حق تعالی شکر نعمتهای او، به معنی ایمان به او و پرهیزگاری در عمل و رفتار است.

¹. نساجی زواره، سایت تبیان

پس شکر منعم حقیقی که حضرت آفریدگار و مقصود از بیان است آن است که همه نعمتها را از او دانی، ووی رامنعم و ولی خود شناسی، کسی که این را فهمید و به آن اعتقاد پیدا کرد، شکر را به جای آورده است.^۱

قرآن کریم تشکر از خدا را قرین با ذکر پروردگار می داند و می فرماید: «فاذکرونی اذکرکم و اشکرو لی ولا تکفرون». در اینجا یاد کردن و شکر الهی تنها یک ذکر زبانی صرف نیست بلکه منظور از یاد، پاک ساختن روح و جان از رذایل و آماده شدن آن برای پذیرش رحمت پروردگار است و منظور از شکر استفاده کردن هر نعمتی به جای خود و در راه همان است که برای آن آفریده شده. معنای دیگر شکر که از آیه: «اعملوا آل داود شکراً». مستفاد می شود این است که شکر بیشتر عمل انسان را در بر می گیرد گرچه یکی از اقسام شکر عمل به جوارح است. اما باید تلاش گردد با بهره گیری صحیح از نعمت های داده شده شکر آن را در عمل بجا آوریم که اقل مراتب شکر است. به عبارتی دیگر می توان بیان داشت که شکر آن است که انسان همیشه و در همه حال بدون فراموشی به یاد خدا باشد و بدون انجام گناه به دستورات الهی گردن نهد.^۲

شکر از دیدگاه معصومین (علیه السلام)

فطرت سالم یک انسان عاقل اقتضا دارد که در مقابل لطف و محبت خاضع گشته و سپاسگزار باشد.

با این مقدمه، اگر انسان توجه کند که هر چه را از انواع نعمت های مادی و معنوی بهره مند است، خداوند قادر و حکیم و توانا به او عنایت کرده و لطف و رافت او بر همه ان سانها، حتی افراد بی ایمان و پست و شرور در این جهان، نیز جاری است، در مقابل او تا چه حد باید شاکر و سپاسگزار باشد. روشن است که شکر و سپاس به درگاه الهی، که بی نیاز از همه مخلوقات بوده و سرچشمه همه کمالات و فیوضات است، با تشکر از دیگران تفاوت دارد؛ زیرا ما نمی توانیم الطاف الهی را با جبران محبت همانند تشکر زبانی و عملی که در مقابل اشخاص داریم جبران کنیم، بلکه بهترین راه آن

^۱. حسینی، شکر از دیدگاه قرآن

^۲. نساجی زواره، سایت تبیان

انسان در همه حال بابت همه چیز باید شکرگزار خداوند خود باشد. پیامبر خدا فرمود نخستین کسانی که به بهشت فرا خوانده می شوند «حمادون» هستند که در آسانی و خوشحالی و سختی حمد و سپاس خدا را به جا می آورند.^۱

حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هر وقت چیزی که موجب سرور و خوشحالی حضرت می شد رخ می داد، حضرت می فرمود: «الحمد لله على هذه النعمة.» و هنگامی که موجبات غم و اندوه پیش می آمد، حضرت می فرمود: «الحمد لله على كل حال.» حمد و سپاس برای خدا در همه حال.

ولی در احادیث نسبت به موارد خاصی تاکید بیشتر نموده اند، امام صادق (علیه السلام) به چند مورد از آن اشاره فرموده اند:

الف - هنگام تندرستی:

شخص تندرست و شکرگزار، اجرش همچون پاداش شخص گرفتاری است که برای خدا صبر پیشه سازد. ماداده ها را نمی بینیم فقط دست روی کمبود ها می گذاریم. هر چند ممکن است آن کمودها هم نعمتی باشد که خداوند به ما عنایت کرده است. شاید صلاح و مصلحت ما در همان است. یعنی همان هم نعمت است. گاهی هم یک بیماری پیش می آید، خدا می خواهد شما قدر سلامتی را بفهمید. چون تا تو را بیمار نکند، قدر سلامت را نمی فهمی. چه بسا همان بیماری کفاره ای برای گناهان مومن است.^۲

امام سجاد علیه السلام فرمود: حمی ليله كفارة سنة؛ تب یک روزه ات به کفاره ی شصت سال است به شرط آنکه آن را بپذیرد. گفته شد پذیرش آن چیست امام علیه السلام فرمود: «ان یحمد الله ویشکره ویشکو الیه ولا یشکوه» اینکه خدا را بستاید و شکر کند؛ به خدا شکایت کند و از او شکوه نکند و آنگاه که حالش را پرسیدند بگوید: «خیراً» خوب است.^۳

^۱. مجلسی، نسخه های شفا بخش چهارده معصوم، برگزیده بحار الانوار، ص 51

^۲. برکت زندگی ص 60

^۳. شکر از شکر شیرین تر است ص 21

ب- هنگام عطاء و بخشش:

هرگاه نعمت را به دیگری بخشیدی شکر آن را به جای آورده ای.^۱

ج- هنگام داشتن نعمت :

سپاس و شکر به هنگام نعمت ، باعث افزایش و فزونی نعمت می شود. باید دانست که همیشه گذر زمان ،داشته ها ودارایی های انسان رابرای او عادی و بی اهمیت می سازد ونداشته هایا داشته های دیگران را برای او مهم و آرزو. بنابراین گاهی نیاز است کسی انسان را به داشته ها و توانایی های خود متوجه سازد. درقرآن کریم وروایات آمده نعمت های خداوند را به یاد آورید و تاکید شده است شکر گزار خداوند باشید که نعمت او را افزون می کند . انسان زمانی شکرگزار می شود که توانایی ونعمتی در خود ببیند و آنگاه است که لب و دل به سپاس پروردگار می سپارد . در دعای کمیل آمده است «ای خدا، ای مولای من، چه بسیار کار های زشتم مستور کردی. چه بسیار بلاهای سخت از من برگردانیدی. چه بسیار که از لغزش ها مرا نگاه داشتی. چه بسیار ناپسند ها که از من دور کردی.» بنده ی واقعی به داده های خدایش راضی است و در همه حال ،شکر گزار اوست؛ چه آنگاه که در خوشی باشد و چه در آن زمان دچار تلخ کامی می شود .زبان حال این افراد چنین است.

علت عدم شکر گزاری مردم:

- علمای اخلاق علت عدم شکر گزاری را جهل وغفلت می دانند.
- 1- جهل دارند، یابه اصل نعمت و بعضی چیزها را ندانند و یا فکر می کنند، شکر فقط با زبان است و گمان می کنند اگر مثلا شکر صحت وسلامتی اعضاء وجوارح خود را کردند کفایت می کند و می توانند دیگر هر استفاده ای که بخواهند از آنها ببرند، گرچه مورد رضایت منعم وخداوند یگانه نباشد.
 - 2- غفلت از نعمت دارند، هر نعمت عمومی را گر چه می داند نعمت است ولی نعمت نمی شمارد و غافل است وحق آن رابجا نمی آورد. به نفسی که ممدحیات است و مفرح

¹. غرر الحکم ودرر الکلم، باب شکر

ذات بی توجه است، مگر اینکه در دود و دم گرفتار شود آن وقت قدر آن داند، تا عضوی از او درد نکند قدر آن عضو نداند.^۱

راههای بدست آوردن شکرگزاری خداوند:

راههای به دست آوردن شکرگزاری به چند امر است؛

اول اینکه معرفت و تفکر در به وجود آمدن نعمت‌های ظاهری و باطنی

دوم اینکه نگاه کردن به پست‌تر از خود در امور دنیوی و بالاتر از خود در امور دینی

سوم اینکه مردگان و اهل قبور را در نظر آورد و متذکر شود که عمر خود را صرف

اموری گرداند که از عذاب آخرت نجات پیدا کند و یا ثواب ایشان مضاعف گردد،

چهارمین مورد از اتفاقات و بلاهای ناگهانی که نجات پیدا کرده در هر لحظه، شکر گزار

خدا باشد و اتفاقاتی که برای او پیش می‌افتد ناراحت و اندوهگین نشود، چرا که ممکن

بود بالاتر از این بر او اتفاق بیافتد.^۲

نتیجه گیری :

نتیجه ای که از این پژوهش می‌توان گرفت این است که شکر گذاری ، یک امر

فطری می‌باشد که خداوند در وجود مخلوقات خصوصا انسان به ودیعه گذاشته تا

از این طریق مسیر کمال را طی کرده و به معرفت الهی دست یابد و لازمه داشتن

روحیه شکرگزاری از عان و اقرار به فقر ذاتی خود می‌باشد و همچنین سپاسگزاری

، توفیقی از جانب خداوند متعال به بندگان خاص خود از جمله انبیاء بزرگ الهی و

ائمہ معصومین می‌باشد و مهمترین و برترین عبادت است که آثار آن در همه ابعاد

دنیوی و اخروی تاثیر گزار است . آنچه از تعالیم دینی به دست آمده می‌رساند که

شکر نعمت در هر مرتبه زبانی ، قلبی ، و عملی در شناخت منعم و نعمت ها و

استفاده صحیح از آنها ، انجام وظایف ، پرهیز از اسراف ، غنای طبع از مواهبی است

که مسیر عبودیت را هموار می‌کند و باعث دفع بلا و ازدیاد نعمتها می‌گردد.

فهرست منابع:

^۱.الذاکرین، اخلاق اسلامی، در نهج البلاغه ص 515

^۲. معراج السعاده، ص 798

*قرآن

- 1- بنی هاشمی، محمد، شکر نعمت، نشر تهران، حمزه، 1386.
- 2- راغب اصفهانی حسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱.
- 3- صادقی، غلام حسین، سیره امام هادی ع، مرکز تحقیقاتی رایانه ای قائمیه اصفهان.
- 4- طبرسی، علی ابن حسن، ترجمه مشکاه الانوار در اخلاق مواظ، چ 1، 1374.
- 5- وحیدی گلپایگانی، محمدصادق، سیمای مومنان، چاپ اول، 1377.
- 6- فیض کاشانی، محسن، اخلاق، چ 4.
- 7- حسینی، علی اصغر، شکر از دیدگاه قرآن کریم، چاپ اول، 1387.
- 8- ابراهیمی فر، عبدالجواد، شایانه های ارزش، ترجمه و شرح دعای مکارم الاخلاق، چاپ اول، 1387.
- 9- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چاپ اول، 1388.
- 10- قانع، مهدی، دریچه ای نو به زندگی، چاپ اول، 1391.
- 11- رحمت پوریزدی، شکر از شکر شیرین تر است، چاپ اول، 1399.
- 12- فرحزاد، حبیب الله، برکت زندگی، شکرگزاری در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، ناشر چاپی، طوبای محبت، ناشر مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- 13- جوادی آملی، جواد، ادب فنای مقربان، ج 2، 1391.
- 14- شایانه های ارزش، ترجمه شرح دعای مکارم الاخلاق.
- 15- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، ج ۳، 1386.
- 16- مکارم شیرازی، ناصر، گفتار معصومین، درس اخلاق، چاپ دوم، 1387.
- 17- مصطفوی، ترجمه مصباح الشریعه، چ 1، 1377.
- 18- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 10، 1386.
- 19- مجلسی، محمد باقر، نسخه های شفا بخش چهارده معصوم، ویرایش صادق حسن زاده.
- 20- نراقی، مولی مهدی، علم اخلاق اسلامی، جلد سوم، چاپ نهم، 1389.
- 21- نراقی، احمد، معراج السعاده،
- 22- مرکز تحقیقات رایانه ای قائم، دائره المعارف طهور، ادب و اخلاق.
- 23- سایت پرسمان.

24- نساجی، زهرا، زواره، سایت تبیان.

25- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی.